

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

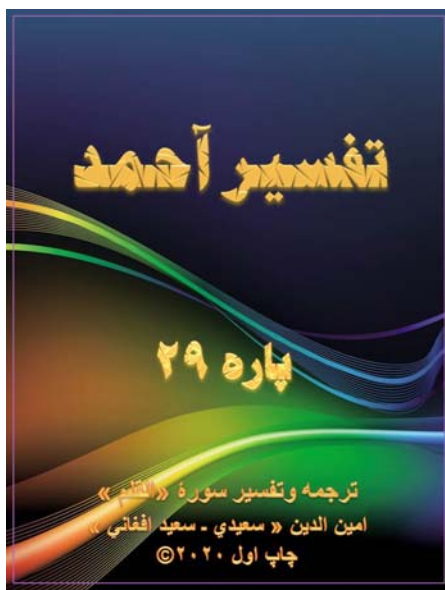
الحاج داکتر امین الدین سعیدی-سعید افغانی

۲۹ فبروری ۲۰۲۰

پاره ۲۹

ترجمه و تفسیر سوره «القلم» - ۱

بسم الله الرحمن الرحيم



سوره قلم از جمله شصت و هشتمین سوره ای از قرآن عظیم الشان بوده که دارای ۵۲ آیت می باشد. این سوره مکی است که از سیاق کلی آیات این سوره مبارکه نیز معلوم می شود.

دلیل نام گذاری:

این سوره بدین دلیل به نام « قلم » مسمی شده، که پروردگار با عظمت ما به قلم و آنچه می نویسد، قسم یاد کرده است و در آیت اول آن قسم به قلم به عمل آمده است.

محتوای اساسی سوره:

محتوای اساسی این سوره را دلداری دادن به رسول الله صلی الله علیه وسلم در مقابل بهتان های مشرکین، و این که وی را دیوانه خطاب نمودند، و دعوت به صبر و نهي او از پیروی مشرکان و این که امر اکید می کند که در برابر حکم پروردگارش صبر کند.

الله تعالی در این سوره در ضمن یادآوری عذاب سخت و دردناک برای مشرکان در روز قیامت می نماید. معروف و مشهورترین آیت این سوره همانا « وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ » (و براستی که تو را خلق و خوئی والاست) که رسول الله صلی الله علیه وسلم را به داشتن اخلاق عالی معرفی داشته است.

قرآن عظیم الشان با تاکید بر پیروی از پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید: « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اطِيعُوا اللَّهَ وَ اطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِن تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِن كُنتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَ أَحْسَنُ تَأْوِيلًا »

ای کسانی که ایمان آورده اید! از الله و پیامبر الله و اولوالامر، پیروی کنید. پس اگر در امری، اختلاف داشتید، آن را در روشنی کتاب الله و سنت رسول الله (صلی الله علیه وسلم) حل و فصل نمائید، اگر واقعاً شما به الله و روز قیامت، ایمان دارید، این کار نیکو و پایانش نیکوتر است.

بدین ترتیب، پیروی از پیامبر صلی الله علیه وسلم سرچشمه عزت، و عملی ساختن رهنمود های پیامبر صلی الله علیه وسلم، مایه عزتمندی انسان می گردد.

پیامبر بزرگوار اسلام هیچ وقت از خود ذلت نشان نداد و از مؤمنان نیز درخواست و تقاضاء به عمل می آید که هیچ گاه به ذلت تن در ندهند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدای بخشاینده و مهربان

ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ (۱)

نون قسم به قلم و آنچه می نویسند. (۱)

ن (قسم به نون که نام نور و ناصر حق بالوح نور خدوند جل عظمت، است) و قسم به قلم و آنچه خواهد نگاشت. نون؛ از جمله حروف مقطعات بوده و پروردگار با عظمت ما به مراد خویش از آوردن آن دانانتر است (الله اعلم بالمراد)؛ هر چند می دانیم که این حروف معانی بزرگ و مقاصد ارزشمندی دارد. حق تعالی به قلم که فرشتگان و انسان ها بدان می نویسند سوگند یاد کرده است؛ زیرا قلم منزلت بزرگ، نفعی عظیم و مقام والا دارد.

مقام و منزلت قلم:

قلم، در قرآن عظیم الشان سمبول علم، و تفکر بشری است، قلم در دین مقدس اسلام به اندازه ای مقدس است که پروردگار با عظمت ما بدان قسم یاد نموده است.

بیان می تواند با گذشت زمان کهنه شده و به نحوی بقای دایمی ندارد، ولی قلم می تواند باعث ماندگاری و بقاء گردد. دین اسلام دین اعتدال و رساندن خبر خوش که سبب صلاح و فلاح دارین برای بشریت شود، می باشد. اما دین اسلام به کار گیری معقول قلم و شمشیر را به صورت مناسب و در صورت ضرورت و مقتضی هریک سفارش می کند. دین اسلام دین غیر فعال (پسیفیست) نیست. در تداوم به قلم در جائیکه شمشیر حتمی افتد، به کار گیری آنرا سفارش می کند. بلی اقتدار و تداوم دین مقدس اسلام بر دو اصل «قلم و شمشیر» استوار است.

یکی از مهم ترین معجزه هائی که در حیات بشری رخ داد، پیدایش خط بوده است؛ قلم، سرچشمه تمدن های بشری و منشأ پیشرفت و تکامل علوم، و بیداری انسانها به شمار می رفت. دوران تاریخ زندگی انسان از زمان اختراع خط آغاز می شود. قلم، حافظ علوم و معارف، پاسدار افکار اندیشمندان، حلقه اتصال فکری علماء، و پُل ارتباطی گذشته و آینده است. نباید فراموش کرد که ارتباط آسمان و زمین نیز از طریق لوح و قلم حاصل شده است.

در عظمت و شأن قلم قرآن عظیم الشان، سوره ای را به آن اختصاص داده و خداوند متعال به قلم و آثار قلم و سطرها و کلماتی که از نوک قلم بر صفحه کاغذ نقش می بندد، قسم یاد نموده است.

قلم یکی از مظاهر هستی است. در مورد عظمت قلم آمده است: «و رِبِكِ الْاَكْرَمِ الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ» یعنی تربیت، پرورش و تکامل، در سایه صفت ربوبیت پروردگار، نسبت به «قلم» به کار رفته است، و قلم جهت بر طرف کردن جهل بشر و وسیله تعلیم گردیده است

«عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَم» یعنی همان خدائی که به وسیله «قلم» انسان را تعلیم داد و به او آن چه نمی دانست آموخت، قادر است.

از جمله «الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ» دو معنا می توان دریافت:

اول: پروردگار با عظمت ما، نوشتن را به انسان آموخت و توانائی این کار بزرگ را که مبدأ تاریخ بشر و سرچشمه علوم و فنون و تمدن هاست، در او ایجاد کرد.

دوم: هدف این است که علوم و فنون و دانش ها را از این طریق به انسان آموخت.

قلم، جوهر علم را در خود نهفته دارد؛ آن زمان که در دست انسان بصیر قرار گیرد.

انسان به گونه های مختلفی، همچون زبان و اشاره، مقاصد قلبی و درونی خویش را آشکار می کند و این امر مهم، اختصاصی به قلم ندارد، اما تفاوت قلم با زبان در آن است که اظهار قلبی و آگاهی های شخص از طریق قلم، بسی ماندگارتر و حیطة اثرش گسترده تر می نماید.

نقش قلم از نقش زبان، شمشیر، پول و دارائی، شهرت و فرزند بیشتر و پر اهمیت تر است. زیرا قلم منتقل کننده تجربه قرنها، ورشد فرهنگ بشری بوده، انسانها را از خواب غفلت بیدار می کند. ملت را می توان با قلم، عزیز و یا هم دلیل کرد. قلم شخصیت ساکتی است که تاریخ را برای بشریت انعکاس می دهد، قسم به قلم، نشانه فرهنگ و تمدن است. تکیه بر قلم، تکیه بر سند و استدلال است و در نهایت باید به عرض رساند که رابطه با قلم رابطه با علم است.

مَا أَنْتَ بِنِعْمَةٍ رَبِّكَ بِمَجْنُونٍ (۲)

به برکت نعمت و لطف پروردگارت عقل کامل (که نبوت، دانش و بصیرت است) تو دیوانه نیستی. (۲) ای پیامبر! نعمتی بزرگی که پروردگار با عظمت برای تو نصیب گردانیده تودیوانه نیستی، بلکه تو محفوظ از خطاها و با استقامت می باشی، رشد و ادراک کامل داری و هدایت ربّانی و عنایت الهی همراه توست.

شان نزول:

۱۱۲۳ - ابن منذر از ابن جریج روایت کرده است: مشرکان پیامبر صلی اله علیه وسلم را مجنون و شیطان خطاب می کردند، پس آیت «مَا أَنْتَ بِنِعْمَةٍ رَبِّكَ بِمَجْنُونٍ» نازل شد.

قابل تذکر است که نباید فراموش کنیم، نسبت جنون به اشخاص مهم و برجسته در طول تاریخ بشریت بوده و نباید مورد تعجب واقع شود، قرآن عظیم الشان می فرماید: «كَذَلِكَ مَا أَتَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا قَالُوا سَاحِرٌ أَوْ مَجْنُونٌ، أ تَوَاصَوْا بِهِ بَلْ هُمْ قَوْمٌ طَاغُونَ» (آیات ۵۲ و ۵۳ سوره ذاریات) (ای پیامبر!) بدین گونه (که تو را تکذیب کردند) پیشینیان اینان نیز هیچ پیامبری برایشان نیامد مگر آن که گفتند: جادوگر یا جن زده است. (آیا مخالفان در طول تاریخ) به یکدیگر سفارش کرده اند (که با انبیا این گونه برخورد کنند؟) نه، بلکه آنان مردمی طغیانگر اند.

در آیت «مَا أَنْتَ بِنِعْمَةٍ رَبِّكَ بِمَجْنُونٍ» به عنوان دلداریه پیامبر اسلام محمد صلی الله علیه وسلم گفته شده است که اگر مشرکان مگه با چنین، شیوه و طریقه برخورد می کنند، بدان که پیش از شما همه انبیا مخالف داشتند و مورد تهمت اقوام خود قرار گرفته اند، پس نباید، از تهمت مخالفان نگران باشی.

از جانب رسول الله صلی الله علیه وسلم به عنوان اتمام حجت در دعوت مردم هیچ گونه کوتاهی و تقصیر را به عمل نیاورد، لذا روی گردانی پیامبر صلی الله علیه وسلم از آنان و ترك مجادله با آنان، سرزنش و ملامتی را به دنبال ندارد. وظیفه رساندن گپ حق و ادای رسالت است.

نباید فراموش کرد که اساس و بنیاد تهمت به انبیاء، طغیان است. بناءً انسان در برابر اشخاص و افراد لجوج مسؤولیتی ندارد، اگر حق را کماحقه برای متخلف و گمراه رساندیم. که رساندن صدای حق و جیبیه است اما یک مطلب را باید با صراحت گفت که اگر روحیه پندپذیری نداشته باشیم در ایمان خود باید شک کنیم، زیرا مؤمن پندپذیر است. اگر انسان ایمان داشته باشد، تذکر حق را از هر کس می‌پذیرد. «فَإِنَّ الذِّكْرَى تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ» (آیت ۵۳ سوره ذریات) به اساس حکم قرآنی و تعالیم ادیان آسمانی، «وَذَكَّرْ فَإِنَّ الذِّكْرَى تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ» وظیفه انبیاء و صالحان بیدار کردن و یادآوری امور فطری بشر است. مسلماً که متوجه ساختن جامعه به سوی ترقی، تعالی و رفاه اجتماعی می‌باشد.

استهزاء:

صحیحترین و عام فهم‌ترین معنی استهزاء همانا تمسخر است. یعنی این که به توهین و تحقیر شخص پردازند و شأن و منزلت او را در جامعه پائین آوردن بخواهند. یا این که یکی از مبانی، اصول و تعلیمات انسانی و دینی را بی ارزش قلمداد نمودن و یا هم آن را مورد تمسخر قرار دادن.

و یا هم استهزاء عبارتست از: بیان کردن گفتار یا کردار یا وصف یا خلقت کسی به شکلی که سبب خنده دیگران و تحقیر مسخره شونده شود، فرق نمی‌کند که این تمسخر به زبان اداء شود و یا با «ایما» ، اشارت و عبارت و یا هم کنایه که استهزاء نامیده می‌شود.

شخصی را که به این خوی ناپسند متصف باشد، مستهزاء گویند.

بدون شک استهزاء از جمله گناهان کبیره است و این از گناهانیست که از مقدمات گناه غیبت محسوب می‌شود. قرآن عظیم الشان از این عمل شدیداً نهی و منع به عمل آورده و آن را به عنوان ظلم و ستم مورد توبیح و تهدید قرار داده است. مستهزاء را امر به توبه می‌کند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِنْ نِسَاءٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ بِئْسَ الْأِسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَنْ لَمْ يَتُبْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ» (آیت ۱۱ سوره حجرات) (ای کسانی که ایمان آورده‌اید! نباید گروهی از مردان شما گروه دیگر را مسخره کنند، شاید آنها از اینها بهتر باشند و نه زنانی زنان دیگر را، شاید آنان بهتر از اینان باشند و یکدیگر را مورد طعن و عیبجویی قرار ندهید و با القاب زشت و ناپسند یکدیگر را یاد نکنید، بسیار بد است که بر کسی پس از ایمان نام کفرآمیز بگذارید و آنها که توبه نکنند، ظالم و ستمگرند!

استهزاء انبیاء:

مشرکان در طول تاریخ به خاطر حفظ منافع مادی و شهوانی خویش در مقابل دعوت انبیاء با شدت و در برخی از موارد به طور ظالمانه و غیر انسانی، مقابله نموده اند. هست مواردی که ایشان دست به دشمنی و بغاوت علیه انبیاء و مبلغان دین زده اند، آنان در این مبارزه استهزای رسالت شان را انکار و شخص خود شان را استهزاء نموده اند. الله تعالی می‌فرماید: «يَا حَسْرَةً عَلَى الْعِبَادِ مَا يَأْتِيهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ» (آیت ۳۰ سوره یس) (ای دریغ بر بندگان! که هیچ رسولی برای هدایت آنها نیامد جز آن که او را به تمسخر و به استهزاء گرفتند).

در این میان رسول مقبول ما محمد صلی الله علیه وسلم به طور متداوم در معرض استهزای دشمنان قرار داشت و بلکه آن حضرت بیش از انبیای پیشین در این جهت مورد آزار و تمسخر قرار گرفته است، چنانچه شخص رسول الله صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: «هیچ پیامبری مانند من آزار ندید.»

مشرکان و معاندان رسالت پیامبر صلی الله علیه وسلم، هر زمانی که رسول الله صلی الله علیه وسلم را می دیدند، با یک حالتی تمسخرآمیز می گفتند: آیا همین است کسی که الله تعالی او را برای پیامبری فرستاده است: «وَ إِذَا رَأَوْكَ إِذَا تُبْعَثُ إِذْ يَقُولُ لَا يُخْذُونَكَ إِلَّا هُزُؤًا أَهَذَا الَّذِي بَعَثَ اللَّهُ رَسُولًا...» (آیت ۴۱ سوره فرقان) و هرگاه (کفار) تو را ببینند، جز به مسخرهات نگیرند، (حرف آنان این است که) آیا این همان کسی است که خداوند او را پیامبری قرار داده است؟ در طول حیات پیامبر صلی الله علیه وسلم حالتی پیش آمده: زمانی که مشرکان پیامبر اسلام را می دیدند، با حالتی تحقیر آمیز او را لقب دیوانه خطاب می نمودند.

« يَا أَيُّهَا الَّذِي نُزِّلَ عَلَيْهِ الذِّكْرُ إِنَّكَ لَمَجْنُونٌ » (آیت ۶ سوره حجر) (ای کسی که (ادعا داری) ذکر (الهی) بر او نازل شده! به یقین تو دیوانه‌ای!)

و یا طوری که در آیات (۱۴ و ۱۵ سوره الصافات) می خوانیم: « وَإِذَا رَأَوْا آيَةً يَسْتَسْخِرُونَ ، وَقَالُوا إِنَّا هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ » (و هرگاه معجزه ای (از معجزات) یا دلیلی (از دلایل دال بر قدرت خداوند متعال) را ببینند، (نه تنها خود به تمسخر می پردازند، بلکه) دیگران را به مسخره کردن هم دعوت می کردند، و می گویند: این جز سحری آشکار نیست.)

کفار و مشرکان معجزات رسول الله را به تمسخر می گرفتند، و آنحضرت را مجنون خطاب می نمودند: « يَا أَيُّهَا الَّذِي نُزِّلَ عَلَيْهِ الذِّكْرُ إِنَّكَ لَمَجْنُونٌ » (آیت ۶ سوره حجر) (ای کسی که (ادعا داری) ذکر (الهی) بر او نازل شده! به یقین تو دیوانه‌ای!)

مشرکین نه تنها رسول الله صلی الله علیه وسلم را به تمسخر می گرفتند، بلکه مسلمانانی را که جدیداً به دین مقدس اسلام مشرف شده بودند، به باد تمسخر می گرفتند و می گفتند: آیا همینها هستند کسانی که الله از میان ما بر آنان منت نهاده است: «أَهْوَلَاءِ مَنْ أَلَّهَ عَلَيْهِمْ مِنْ بَيْنِنَا». (آیت ۵۳ سوره الأنعام).

وَإِنَّ لَكَ لَأَجْرًا غَيْرَ مَمْنُونٍ (۳)

و بی تردید برای تو پاداشی دایم و همیشگی است! (۳)

«غَيْرَ مَمْنُونٍ» یعنی پاداشی دایم، ماندگار و همیشگی و نامقطوع.

مفسرین می نویسند «مَمْنُونٍ» اگر از «من» به معنای قطع باشد، به معنای جایزه بی انقطاع است و اگر از «منت» باشد به معنای آن است که لطف الهی بدون منت است. ظاهراً هدف در اینجا همان معنای اولی است.

وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ (۴)

و تو دارای اخلاق بسیار بزرگوارانه‌ای هستی! (۴)

در این آیت خُلُقِ بی مانند پیامبر اسلام محمد صلی الله علیه وسلم را با صفت «عظیم» مورد ستایش و تمجید قرار داده و او را کانون عالی ترین صفات انسانی معرفی می کند. خطاب به رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرماید: تو کانون محبت و عواطف و سر چشمه رحمت الهی هستی. کفار آزارت می دهند و تو آنها را انذار می دهی. ناسزا و بد ورد در برابرت انجام می دهند، ولی تو برای آمرزش آنها دست به دعاء بر می داری. به سوی تو سنگ می زنند و بالای سرت خاکستر می ریزند ولی تو هدایت آنها را طلب می کنی.

قرآن عظیم الشأن در آیت (۱۰۷ سوره انبیاء) می فرماید: « وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ » (ای رسول الله، و ما تو را جز رحمتی برای جهانیان نفرستادیم) در این آیت متبرکه به وضاحت تام ملاحظه می نمایم که پروردگار رب العزت ما پیامبر عالم بشریت محمد صلی الله علیه وسلم را رسول رحمت برای جهانیان و عالم بشریت اعلام و معرفی نموده است.

اگر زندگانی پیامبر صلی الله علیه وسلم را به طور واقع‌بینانه و بیطرفانه ملاحظه نمائیم به این واقعیت پی خواهیم برد که او رحمتی برای همگان است و این رحمت و بزرگواری را می‌توان در زندگی اصحاب و حتی هر مسلمان راستین و پیرو راستین او نیز مشاهده نمود.

و اسوه حسنه

پروردگار با عظمت ما در (آیت ۲۱ سوره احزاب) می‌فرماید: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَ الْيَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا» (همانا برای شما در (سیره) رسول الله سرمشقی نیکوست، (البته) برای کسانی که به الله و روز قیامت امید دارند و الله را بسیار یاد می‌کنند.) لقب اسوه حسنه را گرفته است.

«اسوه» یعنی سرمشق و مقتداء. کلمه «اسوه» سه بار در قرآن عظیم الشان ذکر گردیده است که دو مرتبه در مورد حضرت ابراهیم علیه السلام (آیات ۴ - ۶ سوره ممتحنه) و یک مرتبه در مورد پیامبر صلی الله علیه وسلم در سوره احزاب. این آیت پیامبر صلی الله علیه وسلم را به عنوان انسانی کامل که نیکوترین سرمشق و نمونه مثالی و سرمشق است، معرفی می‌کند. ایشان بهترین سرمشق در همه امور هستند. در ایمان و اخلاص، در زهد و تقوا، در صبر و استقامت، در توکل و فداکاری، در شجاعت و دلاوری، در نظم و نظافت، در عبادت و خودسازی و خلاصه در تمام اعتقادات، اعمال و گفتار کامل‌ترین سرمشق برای انسان‌های جهان هستند و مردم با پیروی از این سرمشق و الگوی نیکو می‌توانند به سعادت دنیا و آخرت برسند.

شان نزول:

۱۱۲۴- بو نعیم در «دلائل النبوه» و واحدی از حضرت بی بی عایشه (رض) روایت کرده اند که هیچ کس خوش اخلاق تر از رسول الله نبود. هر کدام از اعضای خانواده یا یارانش او را صلی الله علیه وسلم صدا می‌کرد. پیامبر اسلام محمد صلی الله علیه و سلم می‌گفت: لبیک، بنابر این خداوند متعال آیات «وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ» را نازل کرد. ادامه دارد